

البوطی: درک صحیح منابع شرعی و ادله فقهی، زمینه‌ساز تقریب و تفاهم



تکفیر و تخریب و تفرقه صورت غالب امروز اسلام و ملل مسلمان گردیده است و دهه اخیر با گسترش پدیده تکفیر و ظهور گروه‌های تکفیری یکی از خونین‌ترین ادوار تاریخ معاصر مسلمانان رقم خورد و تأثیر فراوانی بر تشویه چهره اسلام و مسلمانی در دنیا برجای گذاشت. در این رابطه با شیخ دکتر محمد توفیق رمضان البوطی رئیس اتحادیه علمای شام و مدیر دانشکده شریعت دانشگاه دمشق گفتگو کرده‌ایم. دکتر البوطی فرزند شهید علامه محمد سعید رمضان البوطی از علمای شهیر و نامدار جهان اسلام است که پدر او سال ۲۰۱۳ توسط عناصر تکفیری داخل مسجد و درون محراب ترور شد که بازتاب فراوانی در سطح منطقه یافت.

دکتر البوطی در ابتدا واقعه شهادت امام علی (علیه‌السلام) را از نخستین رویدادهای تاریخ اسلام دانست که بر اثر رخنه فکر تکفیری رخ داد و ضربه‌ای به پیکر مسلمین وارد آورد. او در این رابطه بیان داشت: تاریخ گواهی می‌دهد که گروهی منحرف در زمان سیدنا علی(ع) بر او خروج کردند و خوارج را به وجود آوردند که اساس حرکت آنان تکفیر دیگران بود و هر آنچه را معصیت می‌پنداشتند آن را موجب کفر می‌دانستند و طبعاً به دلیل خروج بر امام، سیدنا علی(ع) به نبرد با آنان پرداخت اما

اندیشه تکفیر از این مقطع در پیکره امت اسلامی ورود یافت.

دکتر البوطی در ادامه گفت: حرکت وهابیت که به عنوان نماد جریان های تکفیری زیاد به آن اشاره می شود همین اندیشه را از خوارج گرفت و حتی از آن عبور کرد و شدت بیشتری یافت تا آنجا که همه مذاهب اسلامی و بلکه مخالفین خود را رد و تکفیر می کنند و خون های آنان را مباح می دانند و حاضر به پذیرش هیچ اختلافی با پیروان دیگر مذاهب نیستند. در تاریخ به هر شهر و منطقه ای وارد شدند آنجا را تخریب کردند و خون مخالفان را مباح اعلام کردند که البته در اینجا نمی خواهیم به ابعاد شکل گیری دولت آنان پردازیم اما تا هتک حرمت مسجد نبوی پیش رفتند.

دکتر البوطی افزود: بنیاد و اساس این حرکت بر کافر تلقی کردن هر کسی است که مخالف خود بپندارند. آنان هر مسلمانی که در مقابل حرم رسول خدا (ص) بایستد و به ایشان سلام فرستد مشرک می دانند؛ مسلمانی که به مقام نبی (ص) متوسل می شوند را مشرک خطاب می کنند.

دکتر البوطی درباره توان و امکانات فقه و اجتهاد اسلامی برای مقابله با پدیده تکفیر و رفع موانع تفاهم و تقریب میان مسلمین تأکید کرد: مقابله با تکفیر جز با علم و فقاهاست ممکن نیست. علم است که موجب کشف مغالطات آنها می شود و مانع از افتادن مردم در این ورطه است. تکفیری ها با صدور احکام و فتاوی جسورانه و به کارگیری الفاظ نصوص دینی در جهت فکر افراطی، برداشت های خود را به متن قرآن و احادیث نبوی تحمیل می کنند و اقدامات خود را به گردن متون قرآن و سنت می اندازند. آنچه در زمان سیدنا علی (ع) توسط خوارج اتفاق افتاد همین مغالطه و تفسیر اشتباه الفاظ قرآن بود و تحکیم تکفیر و مباح دانستن خون ها بر اساس چنین رفتاری اتفاق افتاد.



شهید علامه البوطی هم تلاش می‌کرد با ادله شرعی و علمی معتبر به ابطال آراء و اندیشه تکفیری بپردازد. او در هر منبر و درس و تدریسی بطلان اندیشه تکفیر را اثبات می‌نمود و متقابلاً چون مخالفین ایشان از ابراز ادله علمی و شرعی برای اثبات مدعای خود ناتوان بودند دست به غوغا و عوام فریبی برای تخریب شخصیت و جایگاه او زدند تا زمینه برای پذیرش ترور ایشان فراهم شود.

دکتر البوطی درباره آموزه‌های سیره نبوی در منابع اسلامی و فقهی جهت تقویت تفاهم و تقارب میان مسلمین و رفع تکفیر مذاهب اسلامی اظهار داشت: در این رابطه یکی از نمونه‌های برجسته در سیره نبی(ص) [مطابق نقل صحیح بخاری و مسلم] برخورد با عبد الله بن ابی بن سلول از سران منافقان در مدینه است که کینه فراوانی نسبت به رسول خدا(ص) داشت و از اهانت‌ها و اقدامات متعددی برای تضعیف حکومت پیامبر(ص) انجام داد که به عنوان سر نفاق در تاریخ اسلام از او یاد می‌شود اما نبی اکرم(ص) او را کافر اعلام نکرد و بلکه زمانی که از دنیا رفت پسرش خواست تا پیراهنی از رسول خدا(ص) بگیرد تا او را در آن کفن کند شاید موجب غفران گناهان و بدی‌هایش در حق پیامبر(ص) شود و حضرت پیراهن خود را به او داد و با آنکه می‌دانست سرنوشت بدی در انتظار پدرش خواهد بود اما خواست از سر رأفت برای او نماز بخواند و راضی به عذاب انسان‌ها به آتش نبود. [رک: مباحث حول شأن نزول آیه ۸۴ سوره توبه در تفاسیر و احادیث شیعه و سنی]

خدا در قرآن کریم آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ الْوَالِيُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا

تَعْمَلُونَ خَيْرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که در راه خدا گام بر می‌دارید (و به سفری برای جهاد می‌روید) تحقیق کنید و به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید مسلمان نیستی به خاطر اینکه سرمایه ناپایدار دنیا (و غنائمی) به دست آورید، زیرا غنیمت‌های بزرگی در نزد خدا (برای شما) است، شما قبلاً چنین بودید و خداوند بر شما منت گذارد (و هدایت نمود) بنابراین (به شکرانه این نعمت بزرگ) تحقیق کنید، خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است. [ترجمه آیت‌الاکرام شیرازی]

بر اساس این آیه، چگونه دین و نبی ما راضی به تکفیر طیف و مذهبی از امت خود خواهد بود؟ و چگونه می‌توانم یک جماعت را به صورت گروهی تکفیر کنم در حالی که ایمان و کفر متعلق به فرد است، کُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ [مدثر/۳۸]. عقیده به فرد تعلق می‌گیرد و متعلق به گروه و جماعت به صورت یکجا و یک شکل نمی‌شود.

عقیده و ایمان مسئله‌ای است که انسان به آن تحسین شده است و بدون آن مذمت می‌شود و بر اساس عقیده و ایمان، انسان مورد حسابرسی قرار خواهد گرفت اما اینکه یک طایفه و مذهب را یکجا و به تمامی متصف به شرک و کفر کنیم با عقل و نص شرعی در تنافی کامل است.

در حدیث شریف نبوی آمده است: «من قال لأخيه يا كافر فقد باء بها أحدهما» [صحیح بخاری، مسلم، موطاء]؛ بر این اساس آنان که به برادران خود نسبت کفر می‌دهند تنها به دنبال مجوزی برای تجاوز و توسعه طلبی و ریختن خون آن‌ها هستند. از این رو من شخصاً معتقدم چالش تکفیر تنها منحصر و برآمده از ادله و نصوص شرعی نیست بلکه اغراض دولتی و سیاسی هم در آن دخیل است که نباید از آن غافل بود اما به هر حال از لحاظ فقهی و فتوا هیچ مجوز و دلیل شرعی برای اثبات کفر گروه و ملت و مذهبی در اسلام بدین صورت که تمامی داخل در گروه کافران شوند قابل اثبات نیست. به طور مثال آیا شایسته و روا است جمعیت ساکن در عربستان سعودی همه را کافر بدانیم و خطاب کنیم؟